

جستجوی ریشه‌های تاریخی «اخلاق اطلاعات» در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

مهدی شقاقی^۱

محمدرضا وصفی^۲

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، مطالعه تاریخ اجتماعی مفهوم «اخلاق اطلاعات» است. قصد بر آن است تا نشان داده شود که چگونه مفهوم «اخلاق اطلاعات» در جریان تحولات اجتماعی حاکم بر حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی بر ساخته شده و به شکل آنچه ما امروز به عنوان حوزه «اخلاق اطلاعات» می‌شناسیم، در آمده است.

روش: پژوهش حاضر به روش سندی یا کتابخانه‌ای انجام شده است. روش سندی یا کتابخانه‌ای، بهترین روش برای ردگیری تاریخ تطوّر مفاهیم و اندیشه‌ها در مناسبات اجتماعی است.

یافته‌ها: جریان‌های اجتماعی حاکم بر فضای حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی از اواخر قرن نوزده تا اوایل دهه ۷۰ قرن بیستم آمریکا، سه اتفاق بارز به نام‌های درخواست کتاب‌های زرد و مسئله سانسور، کمک به ثبات جامعه و مسئله خدمت به پروپاگاندا در قالب خدمات جنگی کتابخانه، و جنبش مسئولیت اجتماعی را رقم زد که این سه رویداد، خود را در سه جهت‌گیری مهم در اخلاق اطلاعات متجلی نمود: اخلاق اطلاعات اصول‌گرا، اخلاق اطلاعات فردگرا، روانشناختی و تکنوکراتیک، و اخلاق اطلاعات جامعه‌گرا و انتقادی.

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران: m.shaghghi@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشکده علوم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران: mvasfi@ut.ac.ir

اصالت/ارزش: ارزش این مقاله، در یافتن و ارائه شواهدی تاریخی برای اثبات این مطلب است که حوزه «اخلاق اطلاعات» با وجود ادعای بسیاری از افرادی که در حوزه علوم کامپیوتر، فناوری اطلاعات و ارتباطات، و هوش مصنوعی فعالیت می‌کنند، ریشه در اخلاق کتابداری و اطلاع‌رسانی دارد و از بُن‌مایه‌های فکری این حوزه نضج یافته است و مسائل جدیدی که ورود رایانه و شبکه به دنیای اطلاعات ایجاد کرده است، باعث شده این حوزه ابعاد تازه‌تری به خود بگیرد و این تصور حاصل شود که این مفهوم، برخاسته از تحولات نیم‌قرن اخیر است.

واژه‌های کلیدی: اخلاق کتابداری و اطلاع‌رسانی، اخلاق اطلاعات، تاریخ اجتماعی کتابداری، کتابخانه‌های عمومی، سانسور.

مقدمه

در متون نظری حوزه «اخلاق اطلاعات»، دو صفت‌بندی به وضوح قابل مشاهده است: صف اول، شامل اندیشمندانی است که به نحوی از انحاء وابسته به علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات هستند و حوزه اخلاق اطلاعات را بخشی از این علوم تلقی می‌کنند و ظهور و بروز آن را ناشی از توسعه سایبرنتیک، علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات می‌دانند. صف دوم از اندیشمندان، وابسته به حوزه کتابداری، اطلاع‌رسانی و ارتباطات هستند و اخلاق اطلاعات را بخشی از بدنه این حوزه تلقی می‌کنند. این دو دسته‌بندی، خود را در دو تاریخچه توصیفی متجلی کرده است: تاریخچه توصیفی کوتاهی که ترل باینوم^۱ به نمایندگی از گروه متخصصان علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات طی دو مقاله با عنوان‌های «نقاط عطف در تاریخ علوم کامپیوتر و اطلاعات»^۲ و «اخلاق کامپیوتر و اطلاعات»^۳ نگاشته است و تاریخچه توصیفی دیگری که توماس فرولیچ^۴ به نمایندگی از متخصصان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در دو مقاله با عناوین «اخلاق اطلاعات» و «تاریخچه کوتاهی راجع به اخلاق اطلاعات»^۵ تألیف کرده است. در صف نخست،

1. Terrell Ward Bynu.
2. Milestones in the History of Information and Computer Ethics.
3. Computer and Information Ethics.
4. Thomas Froehlich.
5. A Brief History of Information Ethics.

باینوم ظهور و بروز حوزه اخلاق اطلاعات را به پایه‌گذاری حوزه «سایبرنتیک» به سال ۱۹۴۸ توسط نوربرت وینر^۱ و سه کتاب تأثیرگذار او در حوزه مسائل اخلاقی پیش روی آینده این علم با عناوین «سایبرنتیک»^۲، «استفاده انسان از نوع انسان‌ها»^۳ و «خدا و گلم»^۴ ارجاع می‌دهد. سپس، مشارکت سایر اندیشمندان این حوزه از جمله والتر منر^۵، دبورا جانسون^۶، دن پارکر^۷، جوزف ویزنباوم^۸، ترل باینوم، و لوچیانو فلورییدی^۹ را در رشد و توسعه اخلاق اطلاعات ترسیم می‌کند. در رویکرد دوم، فرولیچ به ظهور خود اصطلاح «اخلاق اطلاعات» در متون علمی می‌پردازد و اعلام می‌کند که این اصطلاح برای اولین بار در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی توسط روبرت هاتمن^{۱۰} (۱۹۸۸) و سپس رافائل کاپورو^{۱۱} (۱۹۸۸) به کار رفته است. وی سپس مشارکت نظری کتابداران از جمله، باربارا کاستروسکی^{۱۲}، چارلز اوپنهایم^{۱۳}، تونی کاربو^{۱۴}، مارتا اسمیت^{۱۵}، تونی سامک^{۱۶}، توماس فرولیچ و رافائل کاپورو را در توسعه این حوزه بازگو می‌نماید. با توجه به جهت‌گیری‌های موجود، اشاراتی را در مقاله‌های نظری کاپورو، سامک، بریتز^{۱۷}، فرومان^{۱۸} و دیگران می‌بینیم که تأکید می‌کنند بنیاد حوزه اخلاق اطلاعات در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی است و کتابداران سابقه‌ای طولانی در درگیری نظری و

-
1. Norbert Weiner.
 2. Cybernetics.
 3. Human Use of Human beings.
 4. God and Golem.
 5. Walter Maner.
 6. Deborah Johnson.
 7. Donn Parker.
 8. Joseph Weizenbaum.
 9. Luciano Floridi.
 10. Robert Hauptman.
 11. Rafael Capurro.
 12. Barbara J. Kostrewski.
 13. Charles Oppenheim.
 14. Toni Carbo.
 15. Martha Montague Smith.
 16. Toni Samek.
 17. Johannes Britz.
 18. Bernd Frohmann.

عملی با مسائلی چون سانسور، آزادی بیان، محرمانگی و حریم خصوصی، دسترسی آزاد به اطلاعات و ... که اکنون از مباحث اصلی «اخلاق اطلاعات» است، داشته‌اند. بدین منظور، مقاله حاضر قصد دارد با واکاوی، ترسیم و بازسازی تاریخ اجتماعی چالش‌های کتابداران با مسائل «اخلاق اطلاعات» در ایجاد شفافیت، و تحکیم بنیاد این حوزه علمی در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، آدای سهم کند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش سندی یا کتابخانه‌ای^۱ استفاده شده است. در روش سندی، شواهد و داده‌های تحقیق به‌جای این که از نظارت یا مشارکت در میدان تحقیق، مصاحبه، پرسشنامه و ... حاصل شود، از «متن» به‌دست می‌آید. در این‌جا متن معنای بسیار گسترده‌ای دارد، ولی نقطه مشترک همه انواع متون، مضبوط بودن است (احمد^۲، ۲۰۱۰). در تحقیقات اثبات‌گرایانه^۳ امروزی که بیشتر متکی به «داده» است و بر «عینیت» و «عدم دخالت ذهنیات محقق (خلوص)» تأکید می‌کند، تحقیقات سندی جنبه‌ای حاشیه‌ای یافته‌اند و بیشتر به‌عنوان شیوه‌ای برای جمع‌آوری ادبیات تحقیق برای پیدا کردن فهمی اولیه در مورد «مسئله اصلی» نگریسته می‌شوند (مک‌کالک^۴، ۲۰۰۴). این نوع نگاه به تحقیق، ناشی از غلبه پارادایم اصالت طبیعت است. در این پارادایم ما دنبال یافتن قواعدی برگرفته از طبیعت (زیستی یا اجتماعی) برای به‌کارگیری به‌عنوان اصل یا قانون هستیم. اما در تحقیقات علوم انسانی که اصالتاً مبتنی بر پارادایم «اصالت تاریخ» است، یافتن قاعده از طبیعت یا جامعه هدف نیست، بلکه هدف آن است که با جزئیات توصیف شود که مفاهیم، سیاست‌ها، نهادها و ... چگونه در بستر تاریخ ظهور کرده‌اند، نضج یافته‌اند و برساخته شده‌اند. روش کتابخانه‌ای یا سندی نیز روشی مبتنی بر پارادایم

-
1. Documentary Research or Library Research.
 2. Jamshim Uddin Aamed.
 3. positivistic research.
 4. Gary McCulloch.

اصالت تاریخ است و خاستگاه این روش، رشته‌های تاریخ، فلسفه، الهیات و ادبیات است.

در بسیاری از تحقیقات حوزه اندیشه و پژوهش‌هایی که هدف پژوهشگر، پیگیری اندیشه‌های یک نویسنده، فیلسوف، یا دانشمند است یا هدف وی، پیگیری و بازسازی یک مفهوم در گذر حوادث تاریخی است، از روش سندی استفاده می‌شود. تفاوت ظریفی میان روش تاریخی و روش سندی وجود دارد و آن این است که در روش تاریخی، ما به دنبال بازسازی یک حادثه تاریخی هستیم؛ بنابراین به دنبال متون و منابع دست اولی می‌گردیم که حداقل فاصله را با آن حادثه داشته باشند و بدین طریق بتوانیم آن حادثه را صحیح و تا حد ممکن منطبق با عین آن رخداد بازسازی کنیم. اما در روش سندی، ما به دنبال پیگیری و بازسازی یک «ایده» یا «مفهوم» در گذر اندیشه‌های یک فرد یا در گذر حوادث تاریخی هستیم و بنابراین، دست اول بودن یا نبودن منابع در اولویت نیست (هر چند مهم هستند) بلکه افق تفسیرهایی که از آن مفهوم به وجود آمده واجد اولویت است (مک‌کالک، ۲۰۰۴). این بدان معناست که هر چه ما متون مختلف و تفسیرهای متعددی درباره‌ی تطور آن «مفهوم» یا «ایده» داشته باشیم، می‌توانیم بازسازی بهتری از آن مفهوم در گذر تاریخ انجام دهیم. اگر بخواهیم به زبان گادامر سخن بگوییم، ما واجد «تاریخ مؤثر» بهتری خواهیم بود و بهتر خواهیم توانست در افق تفسیرهای مختلف غوطه‌ور شویم و به تفسیری غنی‌تر از طریق امتزاج افق‌ها دست یابیم (شقاقی، ۱۳۹۱).

در پژوهش حاضر نیز ما به دنبال پیگیری و بازسازی مفهوم «اخلاق اطلاعات» در تاریخ اجتماعی تحولات حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی در آمریکا هستیم و در صددیم تا تبیین کنیم که ریشه این مفهوم در «علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» است نه علوم دیگری چون «علوم کامپیوتر» و «فناوری اطلاعات». از آنجا که گفتمان کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌مثابه یک علم در مغرب زمین (فرانکوئر^۱، ۲۰۰۶) و همچنین در ایران

1. Stephen Francoeur.

(حیاتی و فتاحی^۱، ۲۰۰۵)، بسیار تحت تأثیر تحولات کتابداری آمریکا قرار داشته و دارد و انجمن کتابداران آمریکا کلیدی‌ترین انجمن در ایجاد گفتمان‌های اساسی در کتابداری و اطلاع‌رسانی است (برای مثال، بنگرید به اوکانر^۲، ۲۰۰۹)، لذا تاریخ تحولات کتابداری و اطلاع‌رسانی آمریکا در شکل‌گیری حوزه «اخلاق اطلاعات» به‌مثابه یک حوزه علمی بسیار اثرگذار بوده است. سنت تاریخ اخلاقی غرب درباره آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی نشر، همراه با تاریخ اجتماعی تحولات کتابداری و اطلاع‌رسانی آمریکا به‌عنوان طلایه‌دار گفتمان‌سازی علمی در کتابداری و اطلاع‌رسانی، محورهای کلیدی در تکوین «اخلاق اطلاعات» در وضع کنونی آن بوده‌اند.

به‌علاوه، باید اذعان داشت که زادگاه آکادمیک این حرفه، آمریکا است و در آنجا رشد و نمو یافته است و قواعد و اصول آن به‌صورت حرفه‌ای و علمی، آن‌طور که امروزه تدریس می‌شود، در آن جا تدوین شده است. همچنین، اصطلاح «اخلاق اطلاعات» برای اولین بار در میان اندیشمندان و متخصصان آمریکا (روبرت هاتمن^۳ و سپس سایر متخصصان) ظهور کرد و متداول شد. بنابراین، لازم است بررسی شود که مفهوم «اخلاق اطلاعات» در گذر تحولات تاریخی این حرفه در آمریکا چگونه به انحای مختلف ظهور یافته تا این‌که در نهایت از زبان متخصصان این رشته در آن سرزمین، جاری شده و تبدیل به حوزه‌ای شده است با بدنه‌ای قوی از متون. البته، این بدان معنا نیست که نتوان این مفهوم را در تاریخ حرفه‌ای سایر کشورها پیگیری و

1. Zohayr Hayati & Rahmatollah Fattahi.

۲. لیزا اوکانر (Lisa O'Connor) در مقاله‌ای با عنوان «سواد اطلاعاتی به‌مثابه مشروعیت حرفه‌ای: مطالعه‌ای انتقادی» با بررسی تاریخی و تحلیل گفتمان اسناد انجمن کتابداران آمریکا درباره سواد اطلاعاتی، نشان می‌دهد که چطور آغاز و گسترش سواد اطلاعاتی توسط انجمن کتابداران آمریکا در نظم گفتمانی ناشران و مجموعه‌داران بزرگ صورت‌بندی گردید تا بتواند برای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی مشروعیت حرفه‌ای کسب نموده و بازار کسب شغل و درآمد ایجاد نماید.

3. Robert Hauptman.

بازسازی کرد. پیگیری و بازسازی یک مفهوم نیاز به خودآگاهی تاریخی حرفه‌مندان یک اجتماع خاص دارد و آن، از طریق عقبه‌ای از اسناد، مدارک و یا «تاریخ مؤثر» متجلی می‌شود که این امر درباره تاریخ کتابداری آمریکا به دلیل پیشگام و مؤسس بودنش، فراهم است. در پژوهش حاضر سعی شده است تا حد ممکن به بیشتر متون و منابعی که حوادث تاریخی حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی آمریکا را تصویر کرده‌اند مراجعه شود و با لحاظ کردن تفسیرهای مختلف مؤلفان، ایده «اخلاق اطلاعات» در آنها پیگیری و حوادث با محوریت این مفهوم، دوباره بازسازی شود.

سرچشمه‌های باستانی اخلاق اطلاعات

بر اساس نگاه محققانی که از علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به اخلاق اطلاعات عزیمت می‌کنند، آنچه اکنون به عنوان اخلاق اطلاعات نضج یافته مبتنی بر سنت اخلاقی غرب نسبت به اخلاق است و از سه ایده اصلی در آن سنت نشأت گرفته است:

۱. آزادی بیان^۲. آزادی دسترسی به اطلاعات^۳. آزادی نشر (بریتز، ۲۰۱۳). اخلاق اطلاعات غربی را از نظر بریتز، می‌توان تا سنت شفاهی یونان باستان پیگیری کرد؛ در جایی به نام آگورا^۱، مرکز شهر و مرکز تجمع یونانیان آزاد برای بحث‌های سیاسی و مرکز بازار آتن، که در آن آزادی بیان بسیار دارای ارزش بود و یونانیان آزاد (و نه بردگان) در آنجا همراه با قبول خطر رأی‌گیری عمومی و پذیرش مسئولیت، درباره مسائل موجود و تصمیمات صواب و ناصواب داد سخن می‌دادند و در برخی مواقع، برای اصلاح امور طلب مسئولیت می‌کردند و خطر کسر شأن و اعتبار را درباره سخنان معطوف به مسئولیت خود می‌پذیرفتند. سخن، به عنوان یک حواله تاریخی آپولونی به زبان نیچه (نیچه، ۱۳۸۹) و مردم‌محور^۲ به زبان دریدا (پین، ۱۳۹۰)، از شروع و نضج‌گیری خطابه‌های سقراط به این سو دارای اصالت و نسبت جدایی‌ناپذیر با حقیقت دانسته شد و به زبان افلاطون، هرگونه تحریف نسبت به سخن، حتی نوشتار، نقصانی

1. Agora.

2. Phallogocentric.

در نظام حقیقت‌تلقی گردید. بعدها تحت تأثیر سنت مسیحی، کتاب و کتابت تحت لوای استنساخ کتب مقدس در غرب و شرق عالم رسوخ بیشتری پیدا کرد. با این حال، نهاد انتقال و تفسیر متن در قالب سخن، همچنان در قبضه مراکز مذهبی بود. برای مثال، روحانیان مسیحی مهم‌ترین مراجع تفسیر و معنادهی به متن در غرب محسوب می‌شدند و یکی از گلوگاه‌های مهم ساخت معنا و باورهای معنادار و یا به تعبیر مدرن، «جریان اطلاعات» بودند. با این حال، کتابخانه‌ها همواره عامل ایجاد امکان تکثر در تفسیر متن به شمار می‌رفتند، زیرا تماس عموم با انواع متون و تفسیرها را ممکن می‌ساختند. بنابراین، همواره مسائل اخلاقی آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات در آن‌جا حضور داشته است. اختراع ماشین چاپ در سال ۱۴۵۲ میلادی که با انتشار ترجمه‌های گوناگون به زبان‌های مختلف همراه بود، مهم‌ترین عامل در ایجاد جریان روشنگری و ظهور پروتستانیسیم در تفکر دینی غرب به‌شمار می‌رفت. اختراع ماشین چاپ مهم‌ترین نقطه در احیای سنت آزادی بیان، در قالب آزادی نوشتار بود. کاری که ماشین چاپ انجام داد، ایجاد تکثر در تفسیر متن و خارج کردن انحصار تفسیر متن از حوزه نفوذ کلیسا بود. پروتستانیسیم را می‌توان نهضتی برای خارج کردن قدرت تفسیر متن از انحصار کاتولیک‌ها و سگان شکاری خداوند^۱، دانست که از طریق گسترش نسخه‌ها و ترجمه‌های متعدد به زبان‌های مختلف توسط ماشین چاپ ممکن شد. از نظر «بریتز» (۲۰۱۳) ماشین چاپ، نیروی محرکه تجدید حیات آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی نشر، از طریق ایجاد تکثر در قدرت تفسیر متن و معنادهی به نشانه‌ها بود. کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به‌عنوان نهادهای محافظت‌کننده از این تکثر معنا، به مهم‌ترین پایگاه‌های حفاظت از آزادی بیان و آزادی دسترسی به اطلاعات بدل شدند و از بازار آزادی نشر ارتزاق کردند. بنابراین، کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی اولین نهادهایی بودند که با سنت تاریخی آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی نشر به‌عنوان ریشه‌های تاریخی سنت غربی اخلاق اطلاعات تماس پیدا کردند و مسائل

کنونی اخلاق اطلاعات از قبیل حریم خصوصی، سانسور، و آزادی دسترسی به اطلاعات از عمل حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی در سنت غرب زاده شده‌اند. ایجاد تکثر در تفسیر متون مقدس به‌عنوان ریشه‌ای‌ترین اثر ماشین چاپ و خارج کردن استیلائی معنادهی به آنها از دست کلیسا به عموم مردم، کلیدی‌ترین نیروی محرکه در انتقال سنت یونانی آزادی گفتار (پارسیا^۱) (فوکو، ۱۳۹۰) در قالب آزادی نوشتار بود که در نهاد کتابخانه مدرن قرن ۱۸ به آن سو، دمیده شد. به همین دلیل است که تمرکز اخلاق اطلاعات با نقطه عزیمت کتابداری و اطلاع‌رسانی، بر خلاف اخلاق اطلاعات با نقطه عزیمت اخلاق کامپیوتر، به جای این‌که به مباحث و مسائل اخلاقی مطرح‌هنگام از دست رفتن کنترل اطلاعات توسط حکومت یا صاحبان اطلاعات تمرکز اولیه داشته باشد (حق مؤلف، سرقت اطلاعات، سرقت نظم‌افزار، حقوق مالکیت فکری، و ...) به مسائل اخلاقی مطرح‌هنگام از دست رفتن کنترل اطلاعات توسط عامه مردم (سانسور، آزادی بیان، محرمانگی و حریم خصوصی و ...) تمرکز اولیه دارد و در وهله بعد به

۱. «فوکو» در کتاب «گفتمان و حقیقت» (۱۳۹۰) به تبارشناسی حقیقت‌گویی و آزادی بیان در غرب می‌پردازد. از نظر او پارسیا (parrhesia) درجه صفر گفتار یا نوشتار است. هر گاه همه آرایه‌های بلاغی در سخن یا گفتار فرد فرو بریزد و حقیقت، خود را «برهنه» متجلی سازد، پارسیا رخ داده است. فوکو توضیح می‌دهد که اصطلاح پارسیا (راست‌گویی، رک‌گویی) اولین بار در ادبیات یونان در اورپید (۴۰۷-۴۸۴ پیش از میلاد) به چشم خورده است. پارسیاستس (حقیقت‌گو) در متون تاریخی یونان باستان دارای ویژگی‌هایی دانسته شده است، از جمله آن که دارای قدرت پایین‌تر نسبت به کسی است که به وی رک‌گویی می‌کند (خطرپذیری). دومین ویژگی بنیادی پارسیاستس، آن است که خود عامل به توصیه یا اندرز یا سخنی است که بی‌پرده اظهار می‌کند (پایبندی به عمل). سوم، سخنش خالی از بلاغت است و خود را در دیالوگ مشهود می‌کند (دیالوژیک). چهارم، سخن پارسیاستس، دارای کارکرد انتقادی است و حقیقت‌گویی، معطوف به حقایق خوشایند فرد مقابل نیست بلکه معطوف به حقایق ناخوشایند اوست (انتقاد). آخرین مشخصه پارسیا به زبان فوکو در متون یونان باستان آن است که در پارسیا، گفتن حقیقت تکلیف به شمار می‌آید و با آزادی همراه است (آزادی و تکلیف). پارسیاستس از سر تکلیف سخن می‌گوید و اگر تحت فشار، زور یا شکنجه حقیقت را بگوید، سخن او پارسیایی نخواهد بود.

دغدغه‌های اخلاقی از دست رفتن کنترل اطلاعات توسط مالکان اطلاعات یا حکومت‌ها، توجه می‌کند.

بنا بر آنچه ذکر شد، کتابخانه‌ها جزء اولین نهادهایی بودند که گفتمان اخلاقی سنت غرب (آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات، و آزادی نشر) در آن اجازه عرض اندام یافت و به دلیل وضعیتی که از نظر محل گردآوری آثار نوشتاری داشتند، سنت‌های اخلاقی پیش‌گفته در آن به سرعت پا گرفت. با این حال، بنگاه‌های تولید خبر و حرفه روزنامه‌نگاری نیز یکی از نهادها و حرفه‌های مهم بود که با گفتمان اخلاقی سنت غرب پیوند داشت. اما اخلاق روزنامه‌نگاری بیشتر صورت اخلاق حرفه‌ای به‌خود گرفت و مسیر تبدیل شدن به یک رشته علمی را نپیمود. در اواسط قرن بیستم، میراث اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری که به «آزادی بیان» معطوف بود، تمرکز علمی اولیه خود را روی «درستی منبع اطلاعات» گذاشت (بیل‌بی،^۱ ۲۰۱۴) و به پایه‌ریزی «اخلاق رسانه» منتهی شد که اکنون بنا به ادعای مرکز بین‌المللی اخلاق اطلاعات (آی. سی. آی. ای)،^۲ یکی از زیرشاخه‌های حوزه «اخلاق اطلاعات» است. اخلاق رسانه به عنوان بخشی از اخلاق اطلاعات در دسته‌بندی آی. سی. آی. ای، با این پیش‌فرض آغاز می‌شود که رسانه‌ها، شکل‌دهنده افکار و جهان‌بینی‌ها هستند و نقش آنها به‌جای آن که مبتنی بر حقیقت و استدلال باشد، مبتنی بر توجیه و اقناع است (بیل‌بی، ۲۰۱۴). به‌همین دلیل، درستی منبع اطلاعات و انواع روش‌های رسانه‌ای برای پررنگ کردن یک بخش از اطلاعات و به حاشیه راندن بخش دیگر، به یک مسئله اخلاقی در این حوزه تبدیل شده است. دوم، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به عنوان رشته‌ای که از طریق «کتاب»، پیوند خود را با حقیقت حفظ نموده است، به‌جز سنت «آزادی بیان»، دو سنت تاریخی دیگر را نیز یدک می‌کشد که عبارتند از «آزادی دسترسی به اطلاعات» و «آزادی نشر». بنابراین، حوالت

1. Jerald Beilby.

2. International Center for Information Ethics (ICIE).

تاریخی غنی‌تری را به دنبال دارد و دارای شمول بیشتری است و ورای «اخلاق رسانه» قرار می‌گیرد.

سرچشمه‌های «اخلاق اطلاعات» در حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی

سه اتفاق بسیار مهم در تاریخ کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌مثابه یک رشته دانشگاهی که از ۱۸۸۷ در کالج کلمبیا توسط ملویل دیوئی پا به عرصه وجود گذاشت، با تکیه بر حوالت تاریخی سنت اخلاقی غرب، به‌عنوان سه سرچشمه بسیار مهم در شکل‌گیری «اخلاق اطلاعات» عمل کردند و صف‌بندی‌های کنونی اخلاق اطلاعات را شکل دادند. اولین اتفاق عبارت بود از بحران درخواست روزافزون داستان‌های عامه‌پسند توسط توده مردم در انگلیس و آمریکا؛^۱ دومین اتفاق به درگیری آمریکا در جنگ سرد و گسترش موج ملی‌گرایی و تأثیرهای آن بر کتابداری آمریکا مربوط بود و سومین رویداد بحران ۱۹۶۰ آمریکا و درگیری آن در جنگ ویتنام و آغاز جنبش مسئولیت اجتماعی در آمریکا را شامل می‌شد (بورگس^۲، ۲۰۱۳).

در اواخر قرن ۱۹ میلادی، حرفه تازه تأسیس کتابداری در آمریکا با یک مشکل مواجه شد که اولین اتفاق را رقم زد و آن این‌که در برابر تقاضای متون زیان‌آور یا به قول معروف «زرد»^۳ یا «عامه‌پسند»^۴ چه باید کرد (دیتزیون^۵، ۱۹۴۷؛ بورگس^۶، ۲۰۱۳). متون زرد از نظر کتابداران کتابخانه‌های عمومی، رمان‌هایی بودند ارزان قیمت و در آن برهه تاریخی بسیار همه‌گیر، از جمله رمان‌های انتشارات بیدل دایم^۷، که افراد به‌ویژه

1. fiction question.

2. Burgess, J. T. F.

۳. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، در ایتالیا داستان‌هایی که عشق و جنایت را به‌تصویر می‌کشید به «گیالو»

(giallo) (انگلیسی: یلو yellow) مشهور بود زیرا این دست رمان‌ها معمولاً جلد زرد رنگ داشتند. اصطلاح

«کتاب‌های زرد» که در میان ملل مختلف از جمله ایران متداول شده، زاده این اتفاق است.

4. pulp fiction.

5. Ditzion.

6. Burgess.

7. Beadle dime.

نوجوانان را برمی‌آشفتنند یا منحرف می‌ساختند (دیتزیون، ۱۹۴۷). این رمان‌ها امروزه در آمریکا و اروپا به «رمان‌های دایم» شهرت یافته‌اند که معرف رمان‌های «زرد» است. حجم انتشار این نوع رمان‌ها بسیار زیاد بود. برای مثال، امروزه یک مجموعه ۴۰۰ عنوانی از سری «دایم» را می‌توان در آرشیوهای بزرگی چون آرشیو کتابخانه کنگره یافت (لیونز^۱، ۲۰۱۱). این نوع رمان‌ها در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست بسیار رواج داشت و به یکی از دغدغه‌های طبقه متوسط و متمول آمریکا که شامل خرده‌مالک‌ها، خرده‌بورژواها، و حقوق‌بگیران بروکرات وابسته به دولت می‌شدند، تبدیل شده بود. از نظر «دیتزیون» (۱۹۴۷) این دغدغه کتابداران دغدغه‌ای واقعی بود زیرا از نظر آنها، خطر اخلاقی بسیار جدی بود و آنها عملاً به جد و جهد علیه توزیع‌کنندگان این نوع رمان‌ها برخاسته بودند. آنها عملاً در سیاست‌های مجموعه‌سازی خود، تهیه این نوع منابع را از دستور کار خارج کرده بودند و به تبلیغ علیه این رمان‌ها اهتمام داشتند. اما یکی از دغدغه‌های جدی آنها، درخواست‌های فراوانی بود که برای این رمان‌ها وجود داشت و پاسخ‌های «نه» که مجبور بودند به مراجعان بدهند؛ به همراه پاره‌ای مشاوره درباره اثرات سوء این نوع رمان‌ها (بورگس، ۲۰۱۳). «راس»^۲ (۱۹۸۷) به استعاره‌هایی که میان کتابداران و اهالی فرهنگ اواخر قرن نوزدهم درباره «خواندن» رایج بود و بسیار تبلیغ می‌شد، اشاره می‌کند که در واقع می‌توان آن را نوعی واکنش از سوی کتابداران در برابر رواج رمان‌های زرد در بازار نشر عنوان کرد. کتابداران از استعاره‌های «خواندن، خوردن است» و «خواندن، نردبان است» به‌عنوان استعاره‌های مهم در تبیین علل اهمیت خواندنی‌های مناسب و دلایل زیان‌آور بودن رمان‌های زرد استفاده می‌کردند. راس (۱۹۸۷) نقل می‌کند که «جاستین وینسور»^۳ اولین رئیس انجمن کتابداران آمریکا، در همایشی به سال ۱۸۸۱ در جمع کتابداران گفت که او گاهی به کتابخانه همچون یک «جرثقیل» می‌نگرد که «مردم خوابزده را بالا می‌کشد، آنها را به

1. Martyn Lyons.

2. Catherine Sheldrick Ross.

3. Justin Winsor.

تحرك وامی دارد و به ستون محکمی تبدیل می‌کند که هویت و شخصیت ملی بر روی آن استوار می‌گردد». دغدغه واقعی کتابداران را می‌توان در این نقل از «راس» (۱۹۸۷) دید که طی آن، ویلیام استیونسون^۱ مدیر کتابخانه عمومی الگنی^۲ وابسته به بنیاد کارنگی، در گزارش سالانه خود به انجمن کتابداران آمریکا، چگونه از ریشه‌کن کردن رمان‌های زرد از کتابخانه‌اش سخن می‌گوید و از آن دفاع می‌کند:

ملاحظات شما در ارتباط با افراد شاغلی که به ادبیات داستانی نیاز دارند آن است که خوانندگان دوآتشه داستان کسانی نیستند جز کارگرانی که ساعات زیادی را مشغول به کار هستند. اما برعکس، داستان‌خوان‌ها از بی‌کارترین طبقات جامعه هستند. قطعاً وظیفه کتابخانه عمومی آن نیست که عادت «اذهان ضعیف» ... را تقویت کند، بلکه وظیفه کتابخانه عمومی، هموار کردن سطوح بالاتر اندیشیدن است.

با این حال، ازدیاد این تقاضاها، نتیجه‌ای ناگوار داشت زیرا از یک سو عدم تهیه این نوع کتاب‌ها مراجعان کتابخانه عمومی را کم می‌کرد و از سوی دیگر، تهیه این نوع کتاب‌ها لطمه‌ای به شهرت کتابخانه‌ها به‌عنوان نهادی تربیتی و فرهنگی در میان طبقات اجتماعی بالا و متوسط جامعه محسوب می‌شد که عموماً متمول و نخبه بودند (دیتزیون، ۱۹۴۷). «شرا»^۳ (۱۹۴۹) اشاره می‌کند که این اتفاق در انگلستان از اوایل قرن ۱۹ آغاز شده بود و از اواسط قرن ۱۹ به آن سو در حال اوج‌گیری بود. وی عنوان می‌کند که همین تنگنای ناگوار در باب تهیه یا عدم تهیه رمان‌های عامه‌پسند، اخلاق حرفه‌ای کتابداری را در آن برهه از کتابداری انگلستان به آستانه بحران نزدیک کرده بود. بنابراین، می‌توان عنوان کرد که اتفاق نخست، البته با اندکی فاصله زمانی، در هر دو سرزمین حوزه آنگلاساکسون در حال وقوع بوده است.

دغدغه درخواست رمان‌های زرد دغدغه‌ای امانیستی و اخلاقی از سوی کتابداران بود. دغدغه رشد اندیشه انسان و صعود او به مراتب انسانیت از طریق «نردبان»

1. William Stevenson.
2. Allegheny.
3. Jesse Shera.

کتاب‌های سطح پایین‌تر به سوی کتاب‌های سطح بالاتر و جلوگیری از تشویش و انحراف آذهان، گفتمان غالب کتابداران در اهتمام علیه این نوع کتاب‌ها بود. ایده‌آل کتابداران، مبنی بر مسئولیت کتابخانه‌ها در تقویت «اذهان ضعیف» فقرا و کارگران، و تربیت فکری آنان برای خودسازی و کسب شخصیت و شأن، مهم‌ترین موتور محرکه این دغدغه‌مندی کتابداران بود (دیتزیون، ۱۹۴۷؛ بورگس، ۲۰۱۳). بنابراین، کتابداران که طبقات پائین جامعه را به لحاظ ذائقه، عقلانیت و کنش اخلاقی دارای «اذهان ضعیف» می‌دانستند، بر این باور بودند که قرار گرفتن در معرض متون مناسب، نه تنها عقلانیت را بهبود می‌بخشد، بلکه جایگاه اخلاقی فرد را ارتقا می‌دهد. کارگران و زنان تنها و ازدواج‌نکرده، سوژه این تلاش‌های اومانستی بودند. لذا، تبدیل شدن کتابخانه‌ها به محل تهیه خواندنی‌های غیراخلاقی، خطری برای ایده‌آل کتابداران و اعتبار کتابخانه‌ها به‌شمار می‌آمد. این تصویری بود که در آن برهه به‌عنوان هویت برای حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی در آمریکا بر ساخته شده بود. برای کتابداران کتابخانه‌های عمومی آمریکا که به نوعی حافظ منافع و نماینده آرمان‌های طبقات متوسط و متمول جامعه بودند (هریس^۱، ۱۹۷۲) و توسط ثروتمندانی چون کارنگی تأسیس شده بودند تا افراد طبقات پایین اجتماعی را با هنجارهای نخبه‌گرای طبقات متوسط و سرمایه‌دار تربیت کنند (رابین، ۱۳۸۷) ناگوار بود که تصور شود کتابخانه‌ها در آلوده کردن آذهان زنان، جوانان و افراد طبقات پایین دخیل‌اند. همچنین، نمی‌توانستند برخلاف هویت حرفه‌ای که بر ساخته بودند عمل کنند و در دامن زدن به آنچه در حرفه «غیراخلاقی» تلقی می‌شد، شریک گردند (گاریسون^۲، ۱۹۷۹؛ بورگس، ۲۰۱۳).

واکنش کتابداران در برابر هجوم بازار تجاری چاپ و نشر رمان، سانسور بود. البته، بر ساخت دانشی کتابداران برای اعمال سانسور و انجام داوری اخلاقی درباره کتاب‌ها عبارت بود از عمل حرفه‌ای «گزینش کتاب»؛ با استدلال حجم زیاد منابع اطلاعاتی

1. Michael Harris.
2. Lora Dee Garrison.

(گاریسون، ۱۹۷۹؛ بورگس، ۲۰۱۳). در واقع، گفتمان حرفه‌ای و برساخت دانشی «گزینش کتاب» (یک نوع سانسور مبتنی بر کیفیت که وجهه حرفه‌ای کتابداران و آرمان بی‌طرفی اخلاقی آنها را حفظ می‌نمود) و تبدیل کردن آن به یک مبحث علمی، محصول واکنش کتابداران کتابخانه‌های عمومی آن دوره آمریکا در برابر کتاب‌های زرد و بازاری اخلاقاً نامطلوب بود. این واکنش در سخنرانی «بوستویک»^۱ (۱۹۰۸) دبیر انجمن کتابداران آمریکا، به سال ۱۹۰۸ متجلی است:

من [صرفاً] توجه شما را به ضرورت گزینش با توجه به فشار ناشی از کمبود بودجه ارجاع نمی‌دهم. ... کتاب‌هایی وجود دارد که می‌توانند روی قفسه کتابخانه‌های ما بنشینند اما به دلیل ویژگی قابل اعتراضی که دارند، مثلاً برخی اظهارنظرهای نادرست، برخی گرایش‌های غیراخلاقی، برخی حالات یا موضوعات آزاردهنده، به وضوح جزء کاندیداهای رد شدن هستند. و زمانی که مسئول کتابخانه ... متوجه ویژگی قابل اعتراض می‌شود که حضورش، مانع ورود کتاب مقبول دیگری خواهد شد، وظیفه قابل انجام مطمئناً «سانسور» خواهد بود.

دغدغه‌های کتابداران در این اتفاق تاریخی، دو سرچشمه داشت: ۱. اخلاق مذهبی که طی آن، انسان ذاتاً دارای گرایش به لذایذ حیوانی و «پستی» است و بنابراین باید از سقوط به این ورطه منع شود. ۲. اخلاق نخبه‌گرایانه طبقات متوسط و متمول جامعه که «بیکاری» را عین «بی‌عاری»، «ضعف نفس» و «فقر» می‌دانستند. البته در بسیاری از مواقع، این دو سرچشمه با هم همپوشانی داشتند زیرا بسیاری از افراد طبقه متوسط، نخبه و سرمایه‌دار جامعه تحت تربیت اخلاق پروتستانی به این تمول رسیده بودند. اخلاق پروتستانی‌ای که نظام کاپیتالیستی آمریکای آستانه قرن بیستم و مالکان بزرگ خرده‌مالکان طبقه متوسط را ساخته بود، به تعبیر ماکس وبر (۱۳۹۰) مبتنی بر ریاضت‌کشی از طریق کار زیاد و خودسازی فردی بود و روشن است که این

1. Arthur E. Bostwick.

خودسازی فردی، تا حدود زیادی از طریق الهام گرفتن «فرد» (بدون نیاز به کشیش) از متون سرچشمه می‌گرفت.

لذا قرار گرفتن در معرض متون نامناسب، جریان این خودسازی مندرج در پس‌زمینه اندیشه سرمایه‌داری را با خطر مواجه می‌کرد و «آذهان ضعیف» را به «خوردن» غذاهای آلوده یا پایین آمدن و نزول از «نردبان» تعالی و خودسازی ترغیب می‌نمود. این نه تنها یک وظیفه، بلکه یک مطالبه بود؛ همان‌طور که «هوبارد»، مسئول کتابخانه بوستون اظهار می‌کند (راس، ۱۹۸۷):

... به نظر من، خطای مهلکی است که آمدن جوانان، به ویژه جوانان طبقات پایین جامعه به کتابخانه را تشویق کنیم و کتاب‌های زیان‌آور در اختیارشان بگذاریم با این نظر اشتباه که آنان با خواندن کتاب‌های سطح پایین، به خواندن کتاب‌های فاخر ارتقا خواهند یافت. چنین نظری بر خلاف شناخت ما از «ذات بشر» است. ... بدون هدایت و راهنمایی خوانندگان، هزاران هزار فرد در همان سطح نازل باقی خواهند ماند یا به اعماق پست‌تری فرو می‌روند.

آرمان بی‌طرفی اخلاقی کتابدار و توجه صرف به نیازهای مخاطب و خدمت‌رسانی به او، در کنار مطالبات اخلاقی طبقات اجتماعی بالای جامعه برای جلوگیری از تحریف و تشویش آذهان، به یکی از تنگناهای اخلاقی مهم کتابداران تبدیل شده بود. اما چنان که ذکر شد، اقدام کتابداران برای حفظ بی‌طرفی اخلاقی در مقابله با نخبه‌گرایی اخلاقی مورد درخواست طبقات متوسط و تقاضای سانسور اخلاقی، خود را در «گزینش کیفی» کتاب که نوعی سانسور مثبت تلقی می‌شد، ظاهر نمود.

از سوی دیگر، در آن برهه مشاغلی همچون کتابداری، مددکاری اجتماعی، پرستاری و سایر مشاغلی که نوعی تیمارگری را در بطن خود داشتند، به دلیل واکنش زنان تنها و ازدواج‌نکرده به فقر، رونق گرفته بود. بسیاری از زنان به صورت داوطلبانه و بدون حقوق وارد این مشاغل می‌شدند و به باور عده‌ای، همین عامل، حرفه کتابداری را بیش از پیش به رشته‌ای زنانه تبدیل کرد (زیارنیک، ۱۳۸۹). سانسور اخلاقی و ممانعت از دسترسی مخاطبان (که بیشتر آنها زنان بودند) به رمان‌های عامه‌پسند، نوعی نارضایتی و

انفعال را در کتابداران ایجاد کرد. این نارضایتی، به دلیل هم‌مدلی و هم‌دردی کتابداران زن با زنان تنهایی بود که از خواندن کتاب‌های «زیان‌بار»^۱، که آنها را از «زن‌خانه‌دار» و «یکتوریایی» تبدیل به «زن فعال اجتماعی» می‌نمود، منع شده بودند (گاریسون، ۱۹۷۹). اما این تنگنای اخلاقی با تغییر نسل کتابداران در دهه‌های بعد از بین رفت و کتابداران جدید که در نوجوانی با رمان‌های زرد تجاری بزرگ شده بودند، حضور این کتاب‌ها در کتابخانه را غیراخلاقی نمی‌دانستند. در عوض، جلوگیری از مطالعه این کتاب‌ها را نوعی مقاومت در برابر حقیقت، مغایر با بی‌طرفی اخلاقی، و در نتیجه غیراخلاقی تلقی می‌کردند (گاریسون، ۱۹۷۹؛ بورگس، ۲۰۱۳). باور آنها این بود که در نهایت، بازار نشر پیروز خواهد شد و مسائل اخلاقی حول و حوش کتاب‌های زیان‌بار از بین خواهد رفت و چنانچه کتابخانه بخواهد به نحو سابق عمل کند، پشتیبانی مردمی خود را از دست خواهد داد و نخواهد توانست ثبات اقتصادی‌اش را حفظ کند. آنها همچنین به این نتیجه رسیده بودند که برای از بین رفتن فقر و بی‌ثباتی و مشکلات اقتصادی در جامعه، نباید مردم را از تماس مستقیم با حقیقت باز داشت و باید اطلاعات را بدون محدودیت در اختیار آنها گذاشت تا آزادانه تصمیم بگیرند و بهترین عمل و رفتار را اتخاذ نمایند. این جهت‌گیری، پیشرفت جامعه و رسیدن به ثبات (هریس و اسپیگلر^۲، ۱۹۷۴) را در تماس مستقیم مردم با واقعیت می‌دید. در اواخر دهه ۱۹۱۰، بسیاری از کتابخانه‌های عمومی آمانی، قفسه‌های خود را برای عموم باز کردند تا دسترسی به منابع آسان‌تر گردد (بورگس، ۲۰۱۳). آنها به جای ایدئولوژی اخلاقی جلوگیری از تشویش و تحریف آذهنان، ایدئولوژی اخلاقی اجتماعی کردن و آمریکایی کردن شهروندان (رابین، ۱۳۸۷) را دوباره در پیش گرفتند که به دلیل مهاجرت فوج افراد از کشورهای مختلف به آمریکا، به یک بحران تبدیل شده بود. این

۱. شخصیت اول بسیاری از این رمان‌ها، زنان مستقل، سرکش و ماجراجویی بودند که بعضاً کنترل و عاملیت عشق و جنایت را در اختیار داشتند و در برخی مواقع به جای این‌که «ابژه» عشق و جنایت باشند، «سوژه» آن به شمار می‌رفتند.

ایدئولوژی، در اوایل قرن بیستم چیزی بود که از طرف رسانه‌های گروهی نیز دنبال می‌شد. به گفته «مایکل هریس» (۱۹۷۲)، ایدئولوژی اخلاقی کتابداران عبارت بود از اجتماعی‌سازی مهاجران، همسوسازی آنان با فرهنگ مسلط، کنترل اجتماعی شهروندان و شکل‌دهی آنان به‌عنوان شهروندانی بهنجار، با فرهنگ یک‌دست آمریکائی سفیدپوست. بدین ترتیب، کتابداران در تکاپوی اخلاقی خویش، دوباره تحت سیطره اخلاقی فرهنگ مسلط درآمدند. «هریس» (۱۹۷۲) اظهار می‌دارد که اجتماعی‌سازی مهاجران و شهروندان و تکاپو برای شکل‌دهی یک فرهنگ ملی یک‌دست نیز تلاشی نخبه‌گرایانه توسط برنامه‌ریزان و سناریوسازان فرهنگ توده‌ای بود که با واکنش یا شاید همراهی کتابداران برای ایجاد دسترسی آزاد به منابع اطلاعاتی همراه گردید و راه را برای شکل‌دهی توده‌وار فرهنگ عامه باز نمود.

دومین اتفاق مهم، به گفته «ویگانند» (۱۹۸۹) عبارت بود از این‌که کتابداران کتابخانه‌های عمومی در طول جنگ جهانی اول به «یک ابزار فعال در اختیار پروپاگاندا»^۱ تبدیل شدند. دولت آمریکا که در جنگ جهانی اول ورود تقریباً غیرمستقیم داشت، به دلیل تعاملات تجاری و صنعتی با فرانسه و انگلستان، افزون بر نزدیکی زبانی و فرهنگی با انگلیسی‌ها، و همچنین به دلیل نیاز به خروج از انزوای سیاسی و نقش‌آفرینی در سطح بین‌المللی برای اولین بار (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸)، از طریق فعالیت‌های تبلیغاتی به قوای متفقین کمک می‌کرد که یکی از مهم‌ترین این فعالیت‌ها، «خدمات جنگی کتابخانه»^۲ نام داشت (گاریسون، ۱۹۷۹؛ ویگانند، ۱۹۸۹؛ موری،^۳ ۱۹۹۰؛ بورگس، ۲۰۱۳؛ مورفی،^۴ ۱۹۹۶) که البته به قول «ویگانند» (۱۹۸۳) انگلیسی‌ها در ترغیب،

۱. این عبارت، عنوان کتابی است از وین ویگانند (Wayne Wiegand) با عنوان «An Active Instrument»

۲. for Propaganda: The American Public Library During World War 1 که در آن درباره

فعالیت‌های تبلیغاتی و آوازه‌گرانه کتابداران در طول جنگ جهانی اول، مفصل سخن گفته شده است.

2. Library War Services.

3. Barbara Murray.

4. Katherine B. Murphy.

سازماندهی و خوراک‌رسانی لازم برای این امر نقشی بی‌بدیل داشتند. حتی کتابخانه‌ای با نام «کتابخانه آمریکایی پاریس» در همان سال‌ها در شهر پاریس تأسیس شد که عامل ارسال کتاب‌ها و مجله‌ها و نیز آثار تبلیغاتی از آمریکا به فرانسه و برای سربازان داوطلب آمریکایی و سربازان قوای متفقین به شمار می‌آمد (ماک^۱، ۱۹۴۶). در هر یک از کتابخانه‌های عمومی، شعبه‌ای برای کمیته اطلاعات عمومی (سی.پی.آی)^۲ که یک تشکیلات رسانه‌ای دولتی برای تبلیغ در له قوای متفقین و علیه دول محور و اقناع مردم آمریکا درباره ورود به جنگ و حمایت از قوای متفق و ایجاد فضای روانی امنیتی و ضد آلمانی در آمریکا راه افتاده بود، تأسیس شد (ویگانند، ۱۹۸۹). یکی از اثرات مهم درگیر شدن کتابداران در پروپاگاندا، سانسور بود اما این‌بار نه به دلیل حفظ فرد از تشویش و تحریف، بلکه به سبب حفظ جامعه از گسیختگی و نبود امنیت. عرصه بر آمریکایی‌های آلمانی تبار بسیار تنگ گردید و موج ارباب و تهدید، جاسوس‌هراسی و دغدغه‌های امنیت ملی، سانسور را به جایی رساند که حد اعلای آن در نقل قولی که «ویگانند» (۱۹۸۹، ص ۱۰۷) از خانم بارکر^۳ کتابدار کتابخانه عمومی ویلاسکا^۴ ذکر کرده، متجلی است:

من در کتابخانه‌ام کتابی در حمایت از آلمان‌ها نداشتم. پس از اعلان جنگ آمریکا علیه آلمان به سال ۱۹۱۷ دو یا سه کتاب در حمایت از آلمان‌ها یافتم که «دو تا از آنها را سوزاندم».

همانطور که از فحوای مقاله‌ای با عنوان «خدمات جنگی کتابخانه: وضعیت و فرصت»^۵ در بولتین انجمن کتابداران آمریکا به سال ۱۹۱۹ پیداست، وظیفه‌ای که «هربرت پوتنام»^۶ رئیس کتابخانه کنگره، با هماهنگی انجمن کتابداران آمریکا به‌عهده

1. Mary Niles Maack.

2. Committee for Public Information.

3. Frankie J. Barker.

4. Villasca Public Library.

5. Library War Service: The Situation and the Appportunity (1919). *Bulletin of the American Library Association*, Vol. 13, No. 1 (March), pp. 1-4.

6. Herbert Putnam.

کتابخانه‌های عمومی گذاشته بود، از سه جنبه برای حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی فرصت تلقی می‌شد: ۱. افزودن به نقش‌آفرینی کتابخانه‌های عمومی در اذهان عمومی و دولت‌مردان ۲. بالا بردن شخصیت حرفه‌ای کتابداران به‌عنوان افرادی اثرگذار ۳. کسب اعتبار برای حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی و ۴. ابزاری برای کسب بودجه.

مورد چهارم، یعنی کسب بودجه، بسیار اثرگذار بود. اتفاقی که پس از جنگ جهانی اول افتاد آن بود که انجمن کتابداران آمریکا بودجه‌ای دو میلیون دلاری از کنگره بابت برنامه‌ای به نام «برنامه موسع»^۱ دریافت کرد که دارای هدف‌هایی شامل موارد مقابل بود: ۱. ادامه خدمات مرتبط با جنگ ۲. ارتباط نزدیک‌تر با سایر رشته‌های علمی ۳. خدمات جدید برای بزرگسالان و مهاجران ۴. افزودن به وسعت فعالیت‌های حرفه‌ای ۵. ارائه مدرک صلاحیت شغلی به آموزش‌دیدگان کتابداری و ۶. بازنگری در قوانین. البته این طرح به دلیل مقاومت کتابداران و همراهی نکردن کتابخانه‌های تخصصی، با شکست مواجه شد (یانگ، ۱۹۸۰). حرفه کتابداری پس از جنگ جهانی اول، دوباره به فعالیت‌های مشابه قبل از جنگ پرداخت و دامن‌زدن به پروپاگاندا را رها کرد. دوباره مجموعه‌سازی رمان، توجه به علایق طبقه متوسط و تمرکز خدمات‌دهی به زنان آغاز گردید (بورگس، ۲۰۱۳؛ فرانکوئر، ۲۰۰۶؛ گاریسون، ۱۹۷۹). این گرایش به بی‌طرفی و نیز پرهیز از سانسور و التزام به دسترسی آزاد به اطلاعات ادامه پیدا کرد تا این‌که در سال ۱۳۳۹ اعلامیه حقوق کتابخانه‌ها^۲ توسط انجمن کتابداران آمریکا اعلام و به تصویب رسید. تفاوتی که این بار وجود داشت، کسب خودآگاهی تاریخی توسط کتابداران و بی‌رغبتی به سانسور و حتی مقاومت در برابر آن بود. نکته مهم در اعلامیه حقوق کتابخانه‌ها، بحث دسترسی آزاد به اطلاعات و بی‌طرفی کتابخانه^۳ و کتابدار در تهیه و ارائه منابع اطلاعاتی بود. طبق ادعای «گاریسون» (۱۹۷۹)، اتخاذ این رویکرد به‌عنوان شعار کتابداران، در نتیجه آگاهی‌ای بود که طی آن دو واقعه مهم کسب شده

1. Enlarged Program.

2. Library Bill of Rights.

3. library neutrality.

بود. کتابداران در آن دو واقعه همواره به دلیل مصالح فرد یا جامعه، ملزم به سانسور شده بودند و اتخاذ رویکرد بی‌طرفی، در واقع نوعی رویکرد برای محافظت آنها در برابر سانسور بود. نوع نگاه به عمل اخلاقی در ارتباط با اطلاعات و منابع اطلاعاتی که خود را در بحث سانسور متجلی می‌کرد، در واقعه اول و دوم دارای تفاوت‌های اساسی بود. در واقعه نخست که عبارت بود از درخواست روزافزون رمان زرد توسط مخاطبان (به‌ویژه زنان)، سانسور به‌عنوان یک عمل غیراخلاقی در میان کتابداران برای «حفظ پاک‌ی فرد» انجام می‌شد و رها کردن سانسور در سال‌های بعد به دلیل اهمیت دادن کتابداران به تماس مستقیم مردم با حقیقت و کسب آگاهی جهت «حفظ جامعه» صورت گرفت. اما در واقعه دوم، قضیه عکس شد. عمل غیراخلاقی سانسور برای «حفظ جامعه» انجام شد و رها کردن این عمل غیراخلاقی در سال‌های پس از جنگ به دلیل اهمیت دسترسی آزاد به اطلاعات در کسب «آگاهی‌های فردی» و تبدیل شدن به شخصیت اخلاقی و همچنین اثر آگاهی اشخاص در حفظ هویت و انسجام جامعه، انجام گرفت (گاریسون، ۱۹۷۹). در جنگ جهانی دوم و پس از آن یعنی در دوران مک‌کارتیسم نیز با آن حال که فشار زیادی روی کتابخانه‌های عمومی جهت سانسور منابع اطلاعاتی مرتبط با کشورها یا اندیشه‌های کمونیستی وجود داشت، کتابداران زیادی چون روث براون^۱ سرسختانه در برابر آن مقاومت می‌کردند (که منجر به اخراج او شد) (روبینز^۲، ۲۰۰۱) و کتابدارانی نیز بعضاً تحت فشار و با بی‌میلی به آن گردن می‌نهادند (فرانکوئر، ۲۰۰۶). هر چند کتابداران نخبه‌ای مانند جس شرا نیز بودند که به دلیل عضویت در او. اِس. اِس^۳ که سازمان جاسوسی آمریکا قبل از سی. آی. ای^۴ بوده و توسط دولت انگلیس در دوره ریاست جمهوری روزولت راه‌اندازی شده بود (دایرةالمعارف جهانی خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی^۵، ۱۹۹۳، ص ۷۷۴) با اعمال

1. Roth Brown.
2. Louise S. Robbins.
3. Office of Strategic Services (OSS).
4. Central Intelligence Agency (CIA).
5. World Encyclopedia of Library and Information Services.

سانسور در کتابخانه‌ها همراه بودند^۱، اما جو حاکم بر فضای حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی و به‌خصوص کتابداران کتابخانه‌های عمومی، اعتقاد به اعلامیه حقوق کتابداران و پرهیز حداکثری از اعمال سانسور بود. بنابراین، بر خلاف اتفاقات جنگ جهانی اول و همراهی خودخواسته کتابداران با فعالیت‌های غیراخلاقی، وقایع مرتبط با سانسور در جنگ جهانی دوم را نمی‌توان اتفاقاتی در راستای شکل‌گیری ایده «اخلاق اطلاعات» در تاریخ حرفه کتابداری قلمداد کرد.

به‌طور کلی، بر پایه این دو اتفاق، دو رویکرد به اخلاق کتابداری (که بعدها خمیره ایجاد حوزه اخلاق اطلاعات گردید) بر پایه سنت‌های اخلاقی یونان باستان که به‌صورت یک حواله تاریخی به عالم غرب منتقل شده بود، توسعه علمی یافت و نوشته‌ها و آثاری حول آن پدید آمد: یکی اخلاق کتابداری با رویکرد حفظ فرد از لغزش و انحراف فکری و دومی اخلاق کتابداری با رویکرد حفظ ثبات جامعه و تبدیل کردن فرد به یک انسان بهنجار، قانون‌گرا و آگاه در راستای همان ثبات. در اولین اتفاق، کتابداران دور نگهداشتن آذهان مردم از تشویش و تحریف را کانون توجه خود قرار دادند که در «گزینش کیفی» متجلی گردید که البته حفظ عُرف جامعه و منویات اخلاقی طبقه متوسط و متمول نیز در آن پنهان بود، و در دومین اتفاق، کتابداران حفظ ثبات جامعه را در کانون توجه خود قرار دادند که ابتدا در همراهی با پروپاگاندا و سپس در پایبندی به «دسترسی آزاد به اطلاعات» رخ نمود.

در هر دو رویکرد حاضر، رویکرد اخلاق‌مدار به اطلاعات امری فردی دانسته می‌شد و «فرد» محور اصلی کنش اخلاقی تلقی می‌گردید و فقط هدف از تمرکز به فرد فرق می‌کرد. در رویکرد اول، هدف از تمرکز به فرد، مهذب کردن او از انحراف‌های اخلاقی

۱. شرا در صفحه ۵۰۱ مقاله «College Library of The Future» می‌گوید: «امروز بیمارگونه است که ما ساکت پشت میز امانت بنشینیم، به آرامی کتاب‌های مورد امانت را بدهیم و پس بگیریم و صف بی‌شمار دانشجویان را بشماریم، و با ملایمت به اعتقاد راسخمان مبنی بر «بی‌طرفی دانشگاهی» پای بفشریم. یک روز صبح بسیار آشفته از خواب برخوایم خواست و خواهیم دید که تبدیل به نگهبانان ناخواسته و بیچاره پروپاگاندا فاشیست‌ها شده‌ایم».

برای حفظ جامعه از انحرافات بود، اما در رویکرد دوم، هدف از تمرکز به فرد، هنجارمند کردن فرد و آگاه کردن او از هنجارها و قواعد حاکم بر جامعه برای توسعه جامعه بود. اما در هیچ‌یک از این دو رویکرد، اثر جامعه و ساختارهای اجتماعی بر اخلاق مدار شدن فرد و همچنین اثر تحولات اجتماعی بر رویکرد اخلاقی‌ای که فرد ممکن است در موقعیت‌های مختلف اتخاذ کند، مدنظر نبود.

اتفاق سوم در فضای حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی آمریکا، زمینه لازم را برای تفکر بیشتر در ابعاد اجتماعی کنش اخلاقی فراهم کرد (بورگس، ۲۰۱۳). «سامک»^۱ (۱۹۹۸) در پایان‌نامه دکترای خود با نام «آزادی فکری و مسئولیت اجتماعی: اتوس کتابداری آمریکا»^۲ اشاره می‌کند که در اوایل دهه ۱۹۶۰، به دلیل جنبش‌های اجتماعی‌ای که در ایالات جنوبی آمریکا توسط سیاه‌پوستان به راه افتاده بود و همراهی‌هایی که عده قابل توجهی از سفیدپوستان دارای گرایش‌های چپ سیاسی با آنان می‌کردند، گروهی از کتابداران کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی که عموماً از کتابداران جوان بودند، جنبشی به نام «مسئولیت اجتماعی کتابدار»^۳ به راه انداختند و در مجامع مختلفی که انجمن کتابداران آمریکا برگزار می‌کرد، نسبت به اظهاراتی که رنگ و بوی جنگ‌طلبی و نژادپرستی می‌داد، واکنش نشان می‌دادند. در آن دوران، ایالات متحده نیز درگیر جنگ ویتنام بود و فعالان اجتماعی که طرفدار احقاق حقوق اقلیت‌های نژادی (سیاه‌پوستان) در آمریکا بودند، نسبت به هژمونی دولت و دست‌اندازی آن در کشورهای مختلف برای استعمار و عدم توجه آن به مسائل داخلی دید بسیار منفی داشتند. سامک (۱۹۹۸) توضیح می‌دهد که چگونه انجمن کتابداران آمریکا از طریق استراتژی‌هایی، جلو حرکت و پیشروی این جنبش را گرفت و چگونه آن را وارد یک بازی بروکراتیک کرد و در مسیری پیش برد که این جنبش رفته رفته محو گردد. گفتنی است، در نیمه دوم قرن

1. Antonia Helen D. Samek (Toni Samek).

2. Intellectual Freedom and social Responsibility: An Ethos of American Librarianship 1967-1973.

3. Librarian's Social Responsibility.

بیستم آمریکا، طرفداران آزادی شخصی و آزادی اقتصادی در جبهه راست‌گرایان قرار داشتند و طرفداران آزادی‌های مدنی و توجه به اقلیت‌ها در جبهه چپ‌گرایان. البته آزادی‌های مدنی، آزادی شخصی را هم در دل خود داشت اما مفهومی که طبقه متوسط و بالا و نخبگان آمریکا (بورژواها و سرمایه‌داران کوچک و بزرگ) از آزادی‌های شخصی مراد می‌کردند، در پیوند با آزادی اقتصادی بود؛ اما منظور گروه‌های چپ‌گرا از آزادی‌های مدنی و شخصی، کاهش هژمونی دولت در کنترل اجتماعی طبقات و توجه به حقوق اقلیت‌ها، اقشار ضعیف جامعه، فقرا و کارگران بود.

سامیک (۱۹۹۸) ادامه می‌دهد که هیأت رئیسه انجمن کتابداران آمریکا با توجه به درگیری‌های اجتماعی‌ای که به خصوص در ایالت‌های جنوبی به راه افتاده بود و با توجه به طرفداری‌هایی که عده قابل توجهی از کتابداران جوان سفیدپوست از این حرکت‌ها می‌کردند، تصمیم گرفت میزگردی به نام «میزگرد مسئولیت اجتماعی»^۱ ترتیب دهد و از طرفداران آن درخواست کند که به همراه طرفداران «بی‌طرفی» کتابدار دور یک میز بنشینند و نتایج بحث‌های خود را طی صورت جلساتی منعکس و منتشر کنند تا نتیجه مباحث، در جلسات کمیته‌ای عالی به نام «کمیته فعال درباره مسیره‌های جدید انجمن کتابداران آمریکا»^۲ مطرح گردد و با توجه به قوت استدلال‌ها و جمع‌بندی نتایج، درباره تغییر در اعلامیه حقوق کتابخانه‌ها تصمیم‌گیری شود. آرمان بی‌طرفی کتابدار از نظر فعالان اجتماعی^۳ آن دوره به معنای حفظ سلطه عرف موجود جامعه بود که از طبقه متوسط تشکیل می‌شد و طبقه متوسط نیز پس از بحران ۱۹۳۰ آمریکا، با استراتژی اقتصادی دولت رفاه‌کینزی، روز به روز فربه‌تر شده بود و بدنه اصلی جامعه را تشکیل می‌داد. بنابراین، آرمان بی‌طرفی کتابدار به معنای حفظ وضع موجود بود و این‌که طبق معمول و طبق چیزی که از آغاز حرفه کتابداری به همان منوال گذشته است، گفتمان عرفی جامعه که در کنترل نظام سرمایه‌داری و طبقه متوسط سفیدپوست است و توسط

1. Social Responsibility Round Table (SSRT).

2. Activities Committee on New Directions for ALA (ACONDA).

3. Social Activists.

دولت و قانون و قوه قضائیه به خوبی محافظت می‌شود، حفظ خواهد شد. اما طرفداران جنبش «مسئولیت اجتماعی» خواهان یک طرفداری «اخلاقی» از اقشار ضعیف جامعه بودند و کتابداران طرفدار این جنبش، خواهان آن بودند که خدمات کتابخانه باید دارای یک سوگیری تیمارگرانه و ترمیمی به سمت این اقشار ضعیف و مورد تبعیض باشد. «گاریسون» (۱۹۷۹) توضیح می‌دهد که طرفداران جنبش مسئولیت اجتماعی اظهار می‌داشتند جامعه‌ای که خود گرفتار تبعیض و سوگیری است، نمی‌تواند زمینه لازم را برای انجام «کنش اخلاقی» فراهم آورد و انجام عمل اخلاقی «بی‌طرفی»، خود نوعی سوگیری به سمت عُرف و سنت‌های موجود جامعه است که در تسلط طبقه متوسط و متمول سفیدپوست جامعه قرار دارد. بنابراین، بی‌طرفی اخلاقی خود نوعی تبعیض و سوگیری است و جامعه از جمله کتابداران باید نوعی رویکرد ترمیمی به سمت بهبود جراحات وارده بر پیکر جامعه که همانا اقشار ضعیف و زیرپا مانده جامعه هستند، اتخاذ کنند. این اتفاق، مهم‌ترین واقعه در نُضج گرفتن ایده نقش جامعه در ایجاد زمینه برای کنش اخلاقی بود. در دو اتفاق قبلی، ایده نقش فرد در «حفظ خود» از انحراف و نقش فرد در «حفظ جامعه» را شکل داده بودند اما اتفاق سوم، ایده «نقش جامعه برای حفظ فرد» و «نقش جامعه در زمینه‌سازی عمل اخلاقی توسط فرد» را شکل داد. در واقع، دو نوع تفسیر درباره نگاه اخلاقی به اطلاعات شکل گرفت: یکی اخلاق فردگرا که از آزادی‌های شخصی دفاع می‌کرد و ایده آل آن بی‌طرفی و عدم سوگیری برای «حفظ فرد» و «حفظ جامعه» بود و دیگری، اخلاق جامعه‌گرا که از آزادی‌های مدنی و حقوق اقلیت‌ها و فقرا و اقشار ضعیف دفاع می‌نمود. «سامک» (۱۹۹۸) در ادامه توضیح می‌دهد که رؤسای انجمن کتابداران آمریکا از اعضای این میزگرد خواستند که نتایج مباحث خود و سایر مقاله‌ها و اظهارنظرهای خود را در بولتین انجمن کتابداران و سایر مجله‌های مرتبط در له و علیه یکدیگر منتشر کنند تا بدنه‌ای از ادبیات تولید گردد و فضا برای تصمیم‌گیری و تغییر، شفاف شود. در واقع، انجمن کتابداران آمریکا این جنبش را به سمت «سیاست انتشار» سوق داد و از آنجا که بسیاری از سران انجمن کتابداران و طرفداران «بی‌طرفی» کتابدار، از اهالی قلم بودند، در برابر کتابداران جوان از

برتری قابل توجهی برخوردار بودند. بر طبق این روال، فردی به نام «برنینگ‌هاوزن»^۱ به سال ۱۹۷۲ مقاله‌ای در «مجله کتابداری»^۲ با عنوان «ضد و نقیض در کتابداری: مسئولیت اجتماعی در برابر اعلامیه حقوق کتابخانه‌ها»^۳ نوشت که یک جمله کلیدی در آن، که در واقع به حوالت تاریخی عمل اخلاقی کتابداران در طول حیات حرفه‌ای خود، و اصلی‌ترین دوگانه اخلاقی در مواجهه با اطلاعات اشاره کرده بود، واکنش‌های زیادی را در قالب سخنرانی و انتشار مقاله برانگیخت (سامک، ۱۹۹۸، ص ۱۷؛ بورگس، ۲۰۱۳، ص ۱۲۶)

هر وقت کتابداران حل مشکلات اجتماعی را در برنامه کار خود قرار داده‌اند، آن وقت زمانی بوده است که آنها حفاظت از دسترسی آزاد به اطلاعات، و امکان فراهم‌آوری و سازماندهی مؤثر اطلاعات و تبعیت از قوانین، قواعد و اصول اصلی را رها کرده‌اند.

وی در مقاله خود بی‌پرده اظهار کرده بود که «مسئولیت اجتماعی، تاکتیک جدید نیروهای چپ‌گرا برای تهدید هدف سنتی کتابداری و «بی‌طرفی» اخلاقی انجمن کتابداران آمریکا است» (سامک، ۱۹۹۸، ص ۱۷). «سامک» (۱۹۹۸) اظهار می‌دارد که این مقاله بحث درباره جنبه‌های اخلاقی حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی را به یک گفتمان عام، نه تنها در ایالات متحده آمریکا بلکه در سایر کشورها از جمله انگلستان و فرانسه تبدیل نمود و اندیشمندان آنان نیز شروع به نگارش در این حوزه کردند. سال بعد یعنی ۱۹۷۳ «مجله کتابداری» ویژه‌نامه‌ای را در پاسخ به مقاله برنینگ‌هاوزن از سوی کتابداران طرفدار «مسئولیت اجتماعی» منتشر کرد و از جنبه‌های مختلف به اظهارات وی حمله شد. با این حال، سامک (۱۹۹۸) اظهار می‌دارد که بیشتر کتابداران شاغل در کتابخانه‌ها، با وجود دفاعیات و اظهارنظرهای طرفداران «مسئولیت اجتماعی»، به سبب تجربه تاریخی کتابداران در ارتباط با سانسور، با برنینگ‌هاوزن همدلی می‌کردند. سامک

1. David Berninghausen.

2. Library Journal.

3. Antithesis in Librarianship: Social Responsibility vs. Library Bill of Rights.

(۱۹۹۸) ادامه می‌دهد که انجمن کتابداران آمریکا، راهبرد دیگری را در کنار وارد کردن بحث «مسئولیت اجتماعی» به بروکراسی و «فرایند انتشار» در پیش گرفت و آن این‌که میزگردها را دچار تکثر کرد تا تمرکز از روی «مسئولیت اجتماعی» برداشته شود. برای مثال، میزگردهایی با عنوان‌های «میزگرد آزادی فکری»، «میزگرد زنان»، «میزگرد روابط بین‌الملل»، «میزگرد اسناد دولتی»، «میزگرد نمایشگاه‌ها» و ... تشکیل داد و طوری سازماندهی نمود که نظرهای آنها نیز در مجموع اگر به نتایج قابل قبولی برسد، روی تغییر اسناد بالادستی اثرگذار باشد. در اصلاحیه سال ۱۹۸۰ بیانیه حقوق کتابخانه‌ها، نامی از مسئولیت در متن بیانیه ذکر شد اما طوری نوشته شد که در آن مسئولیت کتابداران متوجه دسترس‌پذیرسازی اطلاعات و روشننگری باشد.

پس از اتمام جنگ ویتنام و تغییراتی که در قانون اساسی درباره حقوق اقلیت‌های قومی و سیاه‌پوستان ایجاد شد، تبِ مسئولیت اجتماعی هم فروکش کرد و به یک حرکت خفته در زیر خاکستر تبدیل شد تا این‌که اصطلاح «اخلاق اطلاعات» اولین بار همزمان توسط روبرت هاتمن در کتاب «چالش‌های اخلاقی در کتابداری»^۱ به سال ۱۹۸۸ و رافائل کاپورو در مقاله‌ای به زبان آلمانی به نام «اتوس اطلاعات و ایتیک اطلاعات»^۲ به سال ۱۹۸۸ به کار گرفته شد (اسمیت^۳، ۱۹۹۶). سپس به سال ۱۹۸۹، کریستیانز^۴ که به عنوان سخنران کلیدی به کنفرانس سالانه مؤسسه آلتون پارک^۵ دعوت شده بود، سخنرانی‌ای با عنوان «اخلاق اطلاعات در عصر پیچیده»^۶ ارائه کرد که در سال ۱۹۹۱ به چاپ رسید. در سال ۱۹۸۹، سمپوزیوم روتگرز^۷ عنوان «اخلاق اطلاعات» را برای سمپوزیوم آن سال خود انتخاب کرد و مجموعه مقالات آن همراه با مقالات کنفرانس سالانه مؤسسه آلتون پارک به چاپ رسید. در سال ۱۹۹۲ اصطلاح اخلاق

-
1. Ethical Challenges in Librarianship.
 2. Informationethos und Informationethik.
 3. Martha Montague Smith.
 4. Christians.
 5. Alerton Park Institute.
 6. information ethics in complicated age.
 7. Rutgers Symposium.

اطلاعات، عنوان فصلی را در کتاب «محیط اطلاعات»^۱ تألیف والکر^۲ به خود اختصاص داد و در همان سال، در عنوان مجله‌ای به سرویراستاری هاتمن به نام «مجله اخلاق اطلاعات»^۳ ظاهر شد (اسمیت، ۱۹۹۶). همه ظهور و بروز این مفهوم، به جز مقاله کاپورو (۱۹۸۸)، در آمریکا اتفاق افتاد و همه حوالت تاریخی اخلاق کتابداری و اطلاع‌رسانی به یکباره در طی ۲۳ سال در گفتمان «اخلاق اطلاعات» به چنان بدنه‌ای از ادبیات تبدیل شد که بیش از ۱۰ دایرةالمعارف در این حوزه تألیف گردید و بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۹، ۱۰۲۷ مقاله با این موضوع منتشر شد (اوکالا و همکاران، ۲۰۱۰).

نتیجه‌گیری

«اخلاق اطلاعات» ریشه در سه سنت تاریخی آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی نشر دارد که البته همه آنها در «پارسیا»^۴ باستانی نهفته‌اند. ریشه‌ای‌ترین کارکرد کتابخانه‌ها از بدو تأسیس، باوجود اظهار نظرهایی که درباره کارکرد آنها در حفظ دانش و حافظه تاریخی و ... می‌شود، عبارت بوده است از ایجاد تکثیر در تأویل متن. مهم‌ترین کارکرد کتابخانه‌ها از بدو تأسیس آن بود که به افراد مختلف اجازه می‌داد فارغ از دستورها، چارچوب‌ها و پایبندی‌های سیاسی و دینی حاکم بر جامعه، خود به تأویل و معنادگی به آنچه زمینه‌های باور را شکل می‌دهند (متون) دست یازند. به همین دلیل، کتابخانه از بدو تأسیس، به‌طور بالقوه با «اخلاق اطلاعات» خواه ناخواه عجین بوده است. کتابخانه‌ها از ابتدا سردمدار استنساخ متون و جزو اولین پیشواها، حامیان و بهره‌گیران آزادی نشر بوده‌اند و در واقع ظهور کتابخانه به شکل مدرن امروزی و علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، وابسته به صنعت نشر و آزادی نشر است. اما تاریخ تحولات حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی از بدو تأسیس به سال ۱۸۸۷ در

1. The Information Environment: A Reader.

2. Walker.

3. Journal of Information Ethics.

4. Dennis N. Ocholla, Omwoyo Bosire Onyancha, Johannes Britz.

آمریکا و اتفاقات تاریخی آن، در شکل‌دهی جهت‌گیری‌های کلی آنچه ما امروز به‌عنوان حوزه «اخلاق اطلاعات» می‌شناسیم، نقش بی‌بدیل داشته است. اتفاق‌های تاریخی «درخواست کتاب‌های عامه‌پسند»، «خدمات جنگی کتابخانه»، و «جنبش مسئولیت اجتماعی کتابخانه» که دارای سه غایت اخلاقی «حفظ فرد از لغزش برای حفظ جامعه از انحراف»، «هنجارمند کردن فرد برای حفظ ثبات جامعه» و «اصلاح جامعه برای حفظ فرد» بود، خود را در سه جهت‌گیری نظری علم «اخلاق اطلاعات» امروزی متجلی نموده است. جهت‌گیری اول را در اظهارات پرشور روبرت هاتمن (۲۰۰۲) می‌توان سراغ گرفت:

... امروزه مؤلفانی را می‌بینیم که قائل به دوگانگی اخلاق فردی و حرفه‌ای هستند. این وضعیت عجیب در همه حرفه‌ها دیده می‌شود اما علاج‌پذیر است. دکتراها می‌توانند از انجام دادن سقط‌جنین اجتناب کنند، حقوق‌دان‌ها می‌توانند از فردی که می‌دانند خلاف‌کار است، دفاع نکنند و کتابداران می‌توانند تصمیم اخلاقی خود را هنگامی که با آثاری که می‌دانند دارای عواقب زیان‌بار است، بگیرند، نه این‌که طوری رفتار کنند که گویی آدم آهنی هستند (ص ۱۲). ... اخلاقی عمل کردن عبارت است از لحاظ کردن قواعد اصلی، رشته عمل، عواقب بالقوه، و سپس عمل کردن به نحو مسئولانه و پاسخ‌گویانه (ص ۱۳). ... قاعده‌مند فکر کردن به ما کمک می‌کند که به سخن‌پردازی‌های بلاغت‌آمیز سرشار از پیچیدگی و منظوره‌های پنهان، با نگاه جامع‌بنگریم. (ص ۱۳۹). ... کتابداران می‌توانند برای دستیابی به این قواعد، از ۸ ارزش جاودانی میشل گورمن^۱ تبعیت کنند که عبارت است از: نظارت، خدمت، آزادی فکری، عقل‌گرایی، سواد و یادگیری، برابری دسترسی، حریم خصوصی، و دموکراسی (ص ۱۳۳).

این نگاه «اصول‌گرا» به اخلاق اطلاعات، از سوی فردی که واضع این اصطلاح است، یکی از جریان‌های اصلی به‌شمار می‌رود. توجه به فرد و حفظ او برای حفظ

جامعه، همان‌طور که از اظهارات هاتمن پیداست، یکی از سه جریان اصلی اخلاق اطلاعات را در دنیای امروز تشکیل می‌دهد. بسیاری دیگر از اندیشمندان این حوزه که از دریچه اصول به اخلاق می‌نگرند، بهترین راه اخلاقی کردن جامعه را درونی کردن اخلاق و عمل اخلاقی در فرد و حفظ او از لغزش‌ها می‌دانند. این جهت‌گیری، با سنت‌های باستانی غرب شامل عقلانیت، آزادی فکری، حریم خصوصی و دموکراسی همراه است و جهت‌گیری کلی آن، همزمان با حفظ پاکی فرد، مسائل اخلاقی اطلاعات را بیشتر، زمانی که کنترل اطلاعات از دست «فرد» خارج می‌شود، بررسی می‌کند. جهت‌گیری دوم را می‌توان به وضوح در اظهارات والستروم^۱ (۲۰۰۶، ص ۱) دید:

اطلاعات، تکنولوژی اطلاعات، و سیستم‌های اطلاعاتی بخش جدایی‌ناپذیر جامعه‌اند. بنابراین، اخلاق اطلاعات مهم می‌شود. اخلاق اطلاعات به تعارض‌های رفتاری اخلاق در استفاده از اطلاعات، تکنولوژی‌های اطلاعاتی و سیستم‌های اطلاعاتی معطوف است. ثابت شده است که رفتار اخلاقی برای بنگاه‌ها سودمند است. ثابت شده است که رفتار غیراخلاقی باعث ضررهای معناداری می‌شود. برای کمک به افزایش منافع و کاهش ضررها، نظریه‌های اخلاقی برای کمک در راستای پیش‌بینی رفتارها ظهور کرده‌اند.

این جهت‌گیری مربوط به افرادی است که طرفدار «جریان آزاد اطلاعات» هستند و نگاه کاپیتالیستی، روان‌شناختی و تکنوکراتیک به اطلاعات دارند و از آرمان‌های «جامعه اطلاعاتی» دفاع می‌کنند. از نظر آنها، جامعه اطلاعاتی از طریق به کارگیری ابزارهای لازم برای دسترس‌پذیرسازی همگانی به اطلاعات، بهترین مسیر را برای آگاه‌انیدن و هنجارمند کردن افراد برای انجام اعمال درست در جامعه طی می‌کند و این مسیر، راهی برای رسیدن به اصل «توسعه» و «ثبات» در جامعه است. رسیدن به «ثبات» و «توسعه» در جامعه نیازمند ایجاد فضای امن برای صاحبان سرمایه و تولیدکنندگان اطلاعات است و اخلاق اطلاعات موظف است به همه مسائل اخلاقی، زمانی که کنترل اطلاعات

1. Kent A. Walstrom.

از دست تولیدکنندگان اطلاعات (ناشران، بنگاه‌های تجاری، دولت، پایگاه‌داران اطلاعاتی، شرکت‌های فیلم و موسیقی و ...) خارج می‌شود، توجه کند. بنابراین، توجه عمده این گروه به مسائلی چون حق مؤلف، مالکیت فکری، سرقت اطلاعات و امنیت اطلاعات است. در نهایت، جهت‌گیری سوم را که گره خورده به جنبش مسئولیت اجتماعی است، می‌توان در اظهارات برنند فرومان^۱ (۲۰۰۸) یافت:

از عصر روشنگری به این سو، ذات فرد عقلانی در سنت غرب عبارت بوده است از سوژه استعلایی، یا خودآگاهی‌ای که ادراک و اندیشه را سامان می‌دهد. هنگامی که فرایندهای اطلاعاتی، آن خودآگاهی را از طریق تکه‌تکه کردن جامعه مراقبتی ... و تبدیل کردن آن به جامعه کترلی ... دور می‌زند، فرد و شاخصه‌های فردی شامل عاطفه و قدرت فردی در حین پردازش تبدیل به داده‌های ابری و جایزهای یک مودول کامپیوتری و [ابزار] کنترل فرهنگ برای خدمت به انباشت سرمایه و کنترل سیاسی می‌شود؛ بنابراین ما شاهد «آغاز گسترده سیستم جدید سلطه» (دلوز، ۱۹۹۵، ص ۱۸۰) خواهیم بود که در آن، «اخلاق اطلاعات» [مورد علاقه] سوژه استعلایی [برساخته‌شده] در عصر روشنگری، مجبور می‌شود با «اخلاق اطلاعات»ی که چگونگی برساخت آنها را بررسی می‌کند، رو در رو شود (تأکیدها از مترجم است).

در این اظهار نظر، به راحتی می‌توان صف‌بندی میان جهت‌گیری دوم و سوم را نیز به وضوح مشاهده کرد. طرفداران رویکرد سوم، به دنبال بررسی اثرهای جامعه در اخلاقی شدن و اخلاقی زیستن افراد هستند و می‌خواهند بدانند که این سوژه اخلاقی، چگونه در مکانیسم‌های اجتماعی برساخته می‌شود و به موجودی اخلاقی تبدیل می‌گردد تا منافع و مطامع خاصی را برآورده سازد. طرفداران این رویکرد، به اطلاعات به مثابه مرحله‌ای از مراحل هرم دانش نمی‌نگرند، بلکه نگاه هرمنوتیکی به اطلاعات دارند. برای مثال، می‌توان از نگاه کاپورو و یورلند^۲ (۲۰۰۳) در مقاله «مفهوم اطلاعات» یاد کرد که در آن، به لغت‌شناسی تاریخی این واژه پرداخته‌اند و تطور معنای واژه in-formation را که

1. Bernd Frohmann.

2. Birger HjØrland.

در یونان باستان معنای ریخته‌گری ذهن و ساخت زیبایی‌شناسانه لوگوس را داشت به information، که ابژه انتقال آن چیزی شده است که عقل منفک از سایر جهان تولید می‌کند، بررسی کرده‌اند. این نگاه به «اخلاق اطلاعات»، به دنبال بررسی تأثیر جامعه به فرد اخلاقی است و این که این فرد اخلاقی چگونه تحت سیاست‌های اقتصادی و سیاسی طوری برساخته می‌شود که منافع کلانی را برای جامعه یا گروه‌های خاصی از جامعه برآورد. در این نگاه، جامعه موجود خود یک آرمان یا یک چیز ستودنی نیست که می‌بایست به هر وسیله‌ای حفظ شود بلکه جامعه‌ای سرشار از تبعیض و سوگیری است که حتی «اخلاق» را نیز می‌تواند در جهت مطامع خاصی با خود همسو نماید.

منابع

- بین، مایکل (۱۳۹۰). لکان، دریدا، کریستوا، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- رایین، ریچارد (۱۳۸۷). مبانی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه مهدی خادمیان، مشهد: کتابخانه‌های رایانه‌ای.
- زیارنیک، ناتالی ریف (۱۳۸۹). کتابخانه‌های عمومی و مدارس: توسعه همبستگی‌های نهادی، ترجمه مهرداد نیکنام. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- شقاقی، مهدی (۱۳۹۱). «جستاری در رویکرد دیالکتیکی به «خواندن»». تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۱۸ (۱)، ۲۵-۵۰.
- فوکو، میشل (۱۳۹۰). گفتمان و حقیقت؛ تبارشناسی حقیقت‌گویی و آزادی بیان در تمدن غرب، ترجمه علی فردوسی، تهران: نشر دیبایه.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸). تاریخ روابط بین‌الملل از ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵، چاپ ششم، تهران: قومس.
- نیچه، فردریش ویلهلم (۱۳۸۹). زایش تراژدی از روح موسیقی، ترجمه رؤیا منجم، تهران: پرسش.
- وبر، ماکس (۱۳۹۰). اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه به انگلیسی توسط تالکوت پارسونز. ترجمه به فارسی از عبدالمعبود انصاری (از روی ترجمه پارسونز). تهران: سمت.
- Ahmed, J. (2010). Documentary Research Method: New Dimensions. *Indus Journal of Management & Social Sciences*, 4 (1), 1-14.
- Beilby, J. (2014). *The Heritage of WikiLeaks: A History of Information Ethics*. M.A. Dissertation, Alberta: University of Alberta.
- Bostwick, A. E. (1908). The Librarian as a Censor. *Bulletin of the American Library Association*, 2 (5), 113-121.

- Britz, J.J. (2013). Understanding Information Ethics. In *Information Ethics in Africa: Cross-cutting Themes*. Pretoria: ACEIE, 1-6.
- Burgess, J. T. F. (2013). *Virtue Ethics and Narrative Identity of American Librarianship: 1876 to Present*. PhD Thesis, University of Alabama, Tuscaloosa, Alabama, U. S.
- Bynum, T. (2008). Milestones in the History of Information and Computer Ethics. In: *The Handbook of Information and Computer Ethics*, Kenneth Einar Himma and Herman T. Tavani (Eds.). New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Bynum, T. (2008). Computer and Information Ethics. In: *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Edward N. Zalta et al (Eds.). Retrieved April 14, 2015, from: <http://plato.stanford.edu/entries/ethics-computer/>
- Capurro, R. & Hjørland, B. (2003). The Concept of Information. *ARIST*, 37, 343-411.
- Ditzion, S. (1947). *Arsenals of Democratic Culture*. Chicago: ALA.
- Foucault, Michel (1988). *Technologies of the Self*. Edited by Luther H. Martin, Huck Gutman & Patrick H. Hutton. Massachusetts: University of Massachusetts, Amherst.
- Francoeur, S. (2006). *McCarthyism and Libraries: Intellectual Freedom under Fire, 1947-1954*. Master Dissertation, The City University of New York, Hunter College, New York, U. S.
- Froehlich, T. J. (2004). Information Ethics. In: *Encyclopedia of Library and Information Science*. New York: Taylor & Francis, 256-258.
- Froehlich, T. J. (2004). *A brief history of information ethics*. *Textos universitaris de biblioteconomia i documentació*, 13. retrieved December, 31, 2014, from: <http://bid.ub.edu/13froel2.htm>
- Frohmann, B. (2008). Subjectivity and Information Ethics. *Journal of American Society for Information Science and Technology*, 59 (2), 267-277.
- Garrison, L. D. (1979). *Apostles of Culture: Public Librarian and American Society 1876-1920*. Wisconsin: Wisconsin University Press.
- Harris, M. (1972). *The Purpose of the American Public Library in Historical Perspective: A Revisionist Interpretation*. Washington, D.C.: ERIC Clearinghouse on Library and Information Sciences.
- Harris, M. & Spiegler, G. (1974). Everett, Ticknor and the Common Man; The Fear of Societal Instability as the Motivation for the Founding of the Boston Public Library. *Libri*, 24 (4), 249-76.
- Hayati, Z. & Fattahi, R. (2005). Education for librarianship in Iran before the 1979 Islamic Revolution: A historical review of American roles and influences. *Library Review*, 54 (5), 316-327.
- Lyons, M. (2011). *Books: A Living History*. California: J. Paul Getty Museum.
- Maack, M. N. (1946). *Between Two Worlds: The American Library in Paris during the War, Occupation, and Liberation (1939 - 1945)*. In: *Clara Shadows Like Myself*. New York: C. Scribner's Sons. P. 21. Retrieved April 13, 2015, from: <https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&ved=0CB0QFjAA&url=http%3A%2F%2Fpages.gseis.ucla.edu%2Ffaculty%2Fmaack%2FDocuments%2FBetweenTwoWorlds.doc&ei=->

- QAsVaX5LuPOygPZ8ICoCQ&usg=AFQjCNF2KZJfdFw10nzIg4BbyigYY1
AP_w&sig2=HXJuvtZG9xb1XGr_Xnt-pQ
- McCulloch, G. (2004). *Documentary Research in Education, History and the Social Sciences*. London; New York: RoutledgeFalmer.
 - Murphy, K. B. (1996). *Librarians and Censorship during Three Modern Wars*. M. A. Dissertation, Kent State University, Kent, Ohio.
 - Murray, B. (1990). *A historical look at the ALA code of ethics*. Master Dissertation, San Jose State University, San Jose, California, U. S.
 - Ocholla, D. N.; Onyancha, O. B. & Britz, J. (2010). Can information ethics be conceptualized by using the core/periphery model? *Journal of Informetrics*, 4 (4), 492-504.
 - O'Connor, L. (2009). Information Literacy as Professional Legitimation: A Critical Analysis. *Journal of Education for Library and Information Science*, 50 (2), 79-89.
 - Robbins, L. S. (2001). *The Dismissal of Miss Ruth Brown: Civil Rights, Censorship, and the American Library*. Oklahoma: The University of Oklahoma Press.
 - Ross, C. S. (1987). Metaphors of Reading. *The Journal of Library History* (1974-1987), 22 (2), 147-163.
 - Samek, T. (1998). *Intellectual Freedom and Social Responsibility: An Ethos of American Librarianship 1967-1976*. PhD Thesis, University of Wisconsin-Madison, Madison, U. S.
 - Shera, J. H. (1949). *Foundations of The Public Library The Origins Of The Public Library Movement In New England 1629-1855*. Chicago: The University of Chicago Press.
 - Shera, J. H. (1936). College Library of the Future. *Bulltein of the American Library Association*, 30 (6), 495-501.
 - Smith, M. M. (1996). *Information ethics: An hermeneutical analysis of an emerging area in applied ethics*. PhD Thesis, University of North Carolina, Chapel Hill, U. S.
 - Walstrom, K. A. (2006). Social and Legal Impacts on Information Ethics Decision Making. *Journal of Computer Information Systems*, 47 (2), 1-8.
 - Wiegand, W. A. (1989). *An Active Instrument for Propaganda: The American Public Library During World War I*. Westport, Connecticut: Greenwood Press.
 - Wiegand, W. A. (1983). British Propaganda in American Public Libraries 1914-1917. *Journal of Library History*, 18 (3), 237-254.
 - *World Encyclopedia of Library and Information Services* (1993). Edited by Robert Wedgeworth, third Edition. Chicago, Illinois: ALA.
 - Yong, A. P. (1980). Aftermath of a Crusade: World War I and the Enlarged Program of the American Library Association. *The Library Quarterly*, 50 (2), 191-207.